



جلسه یازدهم - درس خارج مهدویت - ۱۶/۷/۹۱

فایل صوتی جلسه یازدهم:

<https://velaseddighah.com/fa/wp-content/uploads/2013/04/010-part-11-91->

[7-16.mp3



جلسه یازدهم - ۱۶ / ۷ / ۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين سيما امام زماننا روحی
وارواح من سواه لتراب مقدمه الفداه.

مقدمه

بحث ما راجع به بررسی روایاتی است که نقش پیامبر اکرم و ائمه: را در رجعت بیان می نماید. طبق بعضی از روایات، ابلیس و اعوان او به دست پیامبر اکرم و یا امیرالمؤمنین ۸ کشته می شوند که ظاهراً یک یا دو روایت بیشتر نبود و مفاد عمده ی روایات این است که شیطان در زمان قیام امام زمان ۷ و بدست ایشان کشته می شود و روایات متعددی در این زمینه وارد شده که آن ها را نقل کردیم و اکنون یک روایت باقی مانده ی دیگر را نقل می کنیم که در این صورت ظاهراً تتبع کاملی صورت گرفته و می توان ادعا کرد که استقصا کاملی در این زمینه داشته ایم. بعد از نقل روایت، نظر مفسرین شیعه و سنی را در مورد یوم وقت المعلوم جستجو کرده و در آخر جمع بندی نهایی را بیان خواهیم کرد.

«وَأَخْبَرَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ بْنُ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ النَّهَّائِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الصَّلْتِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخِطَّاطِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ غَمَرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ٧ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ اسْتَنْزَلَ الْمُؤْمِنُ الطَّيْرَ مِنَ الْهَوَاءِ، فَيَذْبُحُهُ، فَيَشْوِيهِ، وَ يَأْكُلُ لَحْمَهُ، وَ لَا يَكْسِرُ عَظْمَهُ، ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: أَخِي بِإِذْنِ اللَّهِ. فَيَحْيَا وَ يَطِيرُ؛ وَ كَذَلِكَ الطُّبَاءُ مِنَ الصَّحَارِيِّ وَ يَكُونُ صَوُّهُ الْبِلَادِ نُورَهُ وَ لَا يَحْتَاجُونَ إِلَى شَمْسٍ وَ لَا قَمَرٍ، وَ لَا يَكُونُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مُؤَذٍ وَ لَا شَرٌّ، وَ لَا إِثْمٌ وَ لَا فَسَادٌ أَضَلًّا، لِأَنَّ الدَّغْوَةَ سَمَافِيَّةً، لَيْسَتْ بِأَرْضِيَّةٍ، وَ لَا يَكُونُ لِلشَّيْطَانِ فِيهَا وَسْوَسةٌ، وَ لَا عَمَلٌ، وَ لَا حَسَدٌ، وَ لَا شَيْءٌ مِنَ الْفَسَادِ وَ لَا تَشْوُكُ الْأَرْضُ وَ الشَّجَرُ، وَ تَبْقَى زُرُوعُ الْأَرْضِ قَائِمَةً، كُلَّمَا أَخَذَ مِنْهَا شَيْءٌ نَبَتَ مِنْ وَفْتِهِ، وَ عَادَ كَحَالِهِ، وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْسُو ابْنَهُ الثُّوبَ فَيَطْوُلُ مَعَهُ كُلَّمَا طَالَ، وَ يَتَلَوَّنُ عَلَيْهِ أَيَّ لَوْنٍ أَحَبَّ وَ شَاءَ وَ لَوْ أَنَّ الرَّجُلَ الْكَافِرَ دَخَلَ جُحَرَ صَبٍّ، أَوْ تَوَارَى خَلْفَ مَدْرَةٍ، أَوْ حَجَرٍ، أَوْ شَجَرٍ، لَأَنْطَقَ اللَّهُ ذَلِكَ السَّيِّئَ الَّذِي يَتَوَارَى فِيهِ، حَتَّى يَقُولَ: يَا مُؤْمِنُ، خَلْفِي كَافِرٌ فَخُذْهُ. فَيَأْخُذُهُ وَ يَقْتُلُهُ وَ لَا يَكُونُ لِإِبْلِيسَ هَيْكَلٌ يَسْكُنُ فِيهِ - وَ الْهَيْكَلُ: الْبَدَنُ - وَ يُصَافِحُ الْمُؤْمِنُونَ الْمَلَائِكَةَ، وَ يُوحَى إِلَيْهِمْ، وَ يُحْيَوْنَ - وَ يَجْتَمِعُونَ - الْمُؤْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ إِلَّا بِالْكَوْفَةِ، أَوْ يَجْنُ إِلَيْهَا» [1]. [ftn1]

در عصر حکومت مهدی، مؤمنین پرندگان را از هوا به زیر می‌کشند و آنها را ذبح می‌کنند و گوشت‌های آنها را کباب و می‌خورند ولی استخوانش را سالم می‌گذارند به آنها می‌گویند: به اذن خداوند زنده شو؛ پس آنها زنده می‌شوند و پرواز می‌کنند، هم چنین است آهوی‌های صحرا، و نور سرزمین‌ها بوسیله نور او (مومن یا امام) تامین می‌شود و دیگر مردم به نور خورشید و ماه نیازی ندارند. بر روی زمین جنبه‌دهی اذیت‌گر و فسادکننده نمی‌باشد و بدی و گناه تمام می‌شود زیرا این دعوت و حکومت زمینی نمی‌باشد بلکه آسمانی است (حمایت از طرف خداوند)، در آن زمان شیطان و وسوسه و حسادت و عمل فتنه‌انگیزی ندارد و زمین و درختان، خاری نداشته و در همه‌جای زمین سرسبزی وجود دارد و هرچیزی چیده شود بلافاصله جایگزین آن می‌شود و به حالت اول برمی‌گردد و لباسی که پدر برای پسرش می‌خرد تا هر مدتی که پسر بپوشد برای او مناسب است (اگرچه او بزرگ شود و رشید گردد باز لباس متناسب اندام او خواهد بود، بعضی از این مسائل برای ما روشن نیست، هرچه نسبت به آن دوران بگوییم باز خیلی بالاتر از این حرف‌هاست) و رنگ لباس‌هم به اختیار اوست (به هر رنگی که دوست داشته باشد، رنگ لباس تغییر می‌کند). در آن زمان اگر کافر، داخل سوراخ سوسماري شود و یا پشت سنگ و یا درختی پنهان گردد، خداوند آن شیء را به نطق و می‌دارد و می‌گوید ای مومن! کافری در پشت من مخفی شده است، او را دستگیر کن و مومن او را می‌گیرد و می‌کشد. (کافر در دوران امام زمان ۷ جایگاهی ندارد). و برای ابلیس جایی و بدنی نمی‌ماند که در آن ساکن شود (و به وسوسه‌اش ادامه دهد) و مومنین با ملائکه مصافحه می‌کنند و به آنها وحی می‌شود. (البته نه از سنخ وحی انبیاء بلکه شبیه وحی به مادر موسی) و مردگان به اذن خدا زنده می‌شوند.

شاهد روایت

روایت، در مورد ابلیس دو عبارت « إِذَا قَامَ الْقَائِمُ... وَ لَا يَكُونُ لِلشَّيْطَانِ فِيهَا وَسْوَسةٌ، وَ لَا عَمَلٌ، وَ لَا حَسَدٌ، وَ لَا شَيْءٌ مِنَ الْفَسَادِ » و « وَ لَا يَكُونُ لِإِبْلِيسَ هَيْكَلٌ يَسْكُنُ فِيهِ » دارد.

طبق این روایت در دوران حضرت مهدی^۷، ابلیس دیگر نقشی ندارد و وجودش کالعدم است پس اگر شیطان در آن دوران، دارای تاثیر و فساد و حسادت باشد با این روایت قابل جمع نمی‌باشد. شاید در دلالت روایت بتوان اشکالی وارد کرد که چگونه ممکن است شیطان باشد ولی فساد از او سرزنزد.

مصادر روایت

- دلائل الإمامة: ص ۲۴۶، طبري محمد بن جرير شيعي
- نوار المعجزات في مناقب الأئمة الهداة:، طبري محمد بن جرير، ص ۳۸۸
- إثبات الهداة: ج ۳ ص ۵۷۳ ب ۳۲ ف ۴۸ ح ۷۰۶ - أوله، كما في دلائل الإمامة، عن كتاب مناقب فاطمة وولدها
- حلية الأبرار: ج ۲ ص ۶۳۵ ب ۴۰ - كما في دلائل الإمامة، عن مسند فاطمة، وفي سنده " الحنات " بدل " الخياط " وفيه " .. تبقى الزروع قائمة " . وفي: ص ۶۸۱ - ۶۸۲ ب ۴۹ - بعضه كما في دلائل الإمامة، عن مسند فاطمة

سند روایت

در سند روایت، شخصی بنام محمد بن علي بن عبدالله خياط وجود دارد که در کتب رجالي تا جایی که بنده تحقیق کردم نامی از ایشان برده نشده است. مرحوم علي نمازي شاهرودي^[۲] [ftn2_#]. (متوفي ۱۳۶۴ ش) در مستدرکات علم رجال الحديث ج ۷ ص ۲۳۶ در مورد ایشان می‌فرماید: «لم يذكره»، البته معنای «لم يذكره» مرحوم نمازي این است که در سه کتابي (معجم آقاي خوئي، تنقيح المقال مامقاني و جامع الروات اردبيلي) که محور بحث ایشان است، نام محمد بن علي بن عبدالله خياط، ذکر نشده است ولي باز می‌توان حدث زد که نام وي در جاي ديگر هم نیامده است چون این بزرگواران بصورت جامع بحث نموده‌اند.

پس از نظر سند ممکن است جاي بحث داشته باشد ولي باز، قوت متن دارد و سطر سطر این روایت، شواهد دارد.

سخن مفسرين در يوم وقت معلوم

بيان آلوسي:

ایشان در تفسیر خود در ذیل آیه «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ، قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ» سوره اعراف در مورد مورد يوم وقت معلوم می‌گوید:

«فَقِيلَ: قَالَ: أَنْظِرْنِي أَيُّ أَهْلَنِي وَ لَا تَمْتَنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ أَيُّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذُرِّيَّتُهُ وَ هُوَ وَقْتُ النَّفْخَةِ الثَّانِيَةِ، وَ أَرَادَ بِذَلِكَ أَنْ يَجِدَ فَسْحَةً فِي الْإِغْوَاءِ وَ أَخَذَ الثَّأْرَ وَ نَجَاةً مِنَ الْمَوْتِ إِذْ لَا مَوْتَ بَعْدَ الْبَعْثِ»

(حال که مرا از درگاه خودت راندي، پس به من مهلت بده و مرا تا روز قیامت که آدم و ذریه او را مبعوث مي کني، نمیران و منظور شیطان از این درخواست، یافتن فرصتي براي گمراهي انسان ها و انتقام از آن ها و نجات از مرگ بود زیرا بعد از قیامت ديگر، مرگي نيست)

«قَالَ «استئناف كما مر» إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ظَاهِرُهُ إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُونَ حَيْثُ وَقَعَ فِي مَقَابِلَةِ كَلَامِهِ لَكِنْ فِي سُورَةِ الْحَجَرِ وَ صِ التَّقْوِيدِ بِيَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَ اخْتَلَفَ فِي الْمُرَادِ مِنْهُ»

(ظاهر آیه این است که شیطان تا قیامت هست، چون او از خدا مهلت خواست و خداوند اجابت فرمود يعني آیه قيدي ندارد، ولي این آیه در سوره حجر و صاد به يوم وقت معلوم مقيد شده است، پس به همین جهت در «يوم وقت معلوم» اختلاف کرده اند.)

«فَالْمَشْهُورُ أَنَّهُ يَوْمُ النَّفْخَةِ الْأُولَى دُونَ يَوْمِ الْبَعْثِ لِأَنَّهُ لَيْسَ بِيَوْمِ مَوْتٍ، وَ جُوزَ بَعْضُهُمْ أَنْ يَكُونَ الْمُرَادُ مِنْهُ يَوْمُ الْبَعْثِ وَ لَا يُلْزَمُ أَنْ لَا يَمُوتَ فَلَعَلَّهُ يَمُوتُ أَوَّلَ الْيَوْمِ وَ يَبْعَثُ مَعَ الْخَلْقِ فِي تَضَاعُيفِهِ»

(مشهور این است که مراد از يوم وقت معلوم، نفخه اولي است که همه مي ميرند و این نفخه غير از قیامت است و بعضي گفته اند که مراد از يوم وقت معلوم، روز قیامت است - يعني تا روز قیامت شیطان زنده باشد - و اگر گفته شود مگر کسي در قیامت مي ميرد؟ شايد مراد این باشد که در اول قیامت بميرد و سپس با مردم زنده گردد.)

«و فِي كِتَابِ الْعَرَائِسِ عَنْ كَعْبِ الْأَحْبَارِ أَنَّ إِبْلِيسَ إِنَّمَا يَذُوقُ طَعْمَ الْمَوْتِ يَوْمَ الْحَشْرِ وَ ذَكَرَ فِي كَيْفِيَةِ مَوْتِهِ وَ قَبْضِ عِزْرَائِيلَ رُوحَهُ مَا يَقْتَضِي مِنْهُ الْعَجَبُ، وَ لَمْ يَرْتَضِ ذَلِكَ الْفَاضِلُ السِّفَارِينِيُّ وَ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْبَحُورُ الْزَّاهِرَةُ: أَخْرَجَ نَعِيمُ بْنُ حَمَادٍ فِي الْفَتَنِ وَ الْحَاكِمُ فِي الْمُسْتَدْرَكِ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: لَا يَلْبَثُونَ - يَعْنِي النَّاسَ - بَعْدَ يَأْجُوجَ وَ مَا جُوجَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا فَتَجْفَ الْأَقْلَامُ وَ تَطْوَى الصُّحُفُ فَلَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ تَوْبَةً وَ يَخْرُ إِبْلِيسُ سَاجِدًا يَنَادِي إِلَهِي مَرْنِي أَنْ أَسْجُدَ لِمَنْ شِئْتُ وَ تَجْتَمِعُ إِلَيْهِ الشَّيَاطِينُ فَتَقُولُ يَا سَيِّدَنَا إِلَى مَنْ نَفْزَعُ؟ فَيَقُولُ: إِنَّمَا سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَنْظُرَنِي إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَانْظُرْنِي إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَ قَدْ طَلَعَتِ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا وَ هَذَا يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَ تَصِيرُ الشَّيَاطِينُ ظَاهِرَةً فِي الْأَرْضِ حَتَّى يَقُولَ الرَّجُلُ: هَذَا قَرِينِي الَّذِي كَانَ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَخْزَاهُ وَ لَا يَزَالُ إِبْلِيسُ سَاجِدًا بَاكِيًا حَتَّى تَخْرُجَ الدَّابَّةُ فَتَقْتُلَهُ وَ هُوَ سَاجِدٌ»

(سپس آلوسي مي گويد، در كتاب عرائس از كعب الاحبار روايتي عجيب نقل شده كه من آن را نمي پذيرم و سفاريني هم چنين نظري را قبول نكرده ضمن اينكه ايشان در كتاب البحور الزاهرة، روايتي را از عبدالله بن مسعود نقل مي كند كه شيطان قبل از قیامت به زمان طولاني كشته مي شود و سرش را مي بُرند و من اين سخن را نمي پذيرم. [3])

[#3ftn]. و اما ترجمه روايت ابن مسعود:

مردم بعد از یاجوج و ماجوج زنده نمی‌مانند و وقتی، خورشید از مغرب طلوع کرد دیگر قلم تکلیف برداشته می‌شود و پرونده‌ها بسته می‌شود و دیگر از کسی توبه پذیرفته نمی‌شود. ابلیس در آن موقع، سجده می‌کند و می‌گوید خدایا برای چه کسی سجده کنم، بر هر کسی که تو می‌خواهی حاضرم سجده کنم. در این هنگام شیاطین به او می‌گویند، - بعد از این کار تو- ما به چه کسی پناه ببریم. شیطان می‌گوید از خدا خواستم که مرا تا روز بعث مهلت دهد ولی خداوند مرا تا روز معلوم مهلت داد و امروز روز وقت معلوم است و همه شیاطین در زمین ظاهر گردند تا اینکه انسان‌ها گویند: این قریب من بود که خدا او را رسوایش کرد و همین طور شیطان بصورت گریان و در حالت سجده است تا دابة الارض [۴]. [ftn4_#] خارج شود و شیطان را می‌کشد).

«و منه يعلم أن المراد باليوم المعلوم ما صرح به اللعين و هو قبل يوم النفخة الأولى بكثير، و هذا قول لم نر أحدا من المفسرين ذكره [۵]. [ftn5_#] و هو الذي ارتضاه هذا الفاضل و قال: إن الخبر في حكم المرفوع لأنه لا يقال من قبل الرأي و ليس ابن مسعود ككعب الأحبار ممن يتلقى من كتب أهل الكتاب و أنت تعلم أنه إن صحت نسبة هذا الخبر إلى ابن مسعود ينبغي أن لا يعدل إلى القول بما يخالفه و لكن في صحة نسبته إليه رضي الله تعالى عنه عندي تردد.» [۶]. [ftn6_#]

(از این روایت معلوم می‌شود که روز معلوم برای شیطان، با نفخه اولی فاصله زیادی دارد و زمان زیادی بر مردم می‌گذرد که آن‌ها بدون شیطان هستند و این قول در رأی هیچ کدام از مفسرین -البته مفسرین اهل سنت - نیامده و سفارینی آن را پذیرفته است و گفته است که این خبر عبدالله بن مسعود، صحیح است و ایشان از نزد خودش چنین روایتی را نگفته است و ابن مسعود مثل کعب الاحبار نمی‌باشد که سخنان خودش را از اهل کتاب گرفته باشد-یعنی ابن مسعود از پیامبر گرفته است - و تو می‌دانی که اگر صحت این خبر به ابن مسعود ثابت شود گریزی از پذیرش چنین خبری نمی‌باشد - یعنی وقت معلوم قبل از نفخه اولی است - هر چند در نسبت این خبر به ابن مسعود برای من (آلوسی) تردید است).

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

[۱]. [ftnref1_#]. دلائل الإمامة، طبري؛ ص ۴۶۲

[۲]. [ftnref2_#]. ایشان بسیار منتبّع بودند به گونه‌ای که مرحوم آقاي نجفی مرعشی رحمة الله عليه از ایشان تعبیر به مجلسی زمان داشتند)






[۳]. [ftnref3_#]. روایت ابن مسعود و مورد قبول آلوسی، مطابق روایات ما می‌باشد

[۴]. [ftnref4_#]. اشاره به وجود مبارك اميرمومنان ۷ است که قبلا در مورد آن بحث نموده‌ایم

[۵]. [ftnref5] اینها روی عصبیتی که بعضی‌هایشان دارند، حاضر نیستند به روایات ما توجه کنند. پیرمردی از وهابی‌های مکه مکرمه هشتاد و اندی از عمرش گذشته بود، مدتی (دو سال) با او بحث کردم تحت تأثیر قرار گرفت، در آخر گفت من تا بحال احادیث اهل بیت را ندیده‌ام، از شما خواهش می‌کنم برایم بفرستید سه دفعه تا دم درب دنبال من آمد که برایش کتب روایی اهل بیت بفرستم. ۸۵ سال از عمرش گذشته، در حالیکه اینقدر کتاب علیه شیعه نوشته و چقدر از شیعیان در اثر موضع گرفتن‌های چنین اشخاصی، آواره شده‌اند و یا کشته‌گردیده‌اند.

[۶]. [ftnref6] روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص: ۳۳۲

شاید این موارد نیز مورد علاقه شما باشد

							
درس خارج	جلسه دهم =	جلسه بیست	جلسه سی و	عضو جامعه	برگزاری دوره	همایش نقش	گزارش
مهدویت -	درس خارج	و نهم - درس	سوم - درس	مدرسین حوزه	تخصصی	سلفی‌ها در	تصویری /
بحث روایات	مهدویت -	خارج مهدویت	خارج مهدویت	علمیه قم در	معارف	سقوط بغداد و	افتتاحیه دوره
ندای آسمانی	۱۵/۷/۹۱	۹۱/۱۰/۳ -	۹۱/۱۰/۱۱ -	گفت وگوبا	مهدویت در	نقش خواجه	سراسری "فهم
- سال ۹۰				شبهستان (۲):	موسسه آینده	نصیرالدین	اصول کافی"
				جنگ و ناامنی	پژوهی امامت	طوسی در	
				ضرورت زیارت	اصفهان یا	گسترش اسلام	
				امام	سخنرانی		
				حسین (علیه	حضرت آیت		
				السلام) را	الله طیبی یا		
				برطرف نمی	موضوع رجعت		
				کند	در سه جلسه +		
					صوت و تصویر		

پاسخ



کلیه حقوق محفوظ است، استفاده از مطالب با ذکر منبع بلامانع است.